

پزشکیان و بازگشت به خود ایرانی



کیومرث اشرفیان

اختیار و اراده از سویی و سرمایه و مهارت از سوی دیگر ابزار اساسی برای توسعه ایران است. آقای رئیس‌جمهور در جمعی از مقامات استانی بسر این معنا تاکید کرده است که: «ما اختیار دادیم به استاندارها... اختیارات هست، فکر کنید [مشکلات را] حل کنید... همه ما و شما قادریم کارهایی کنیم که می‌تواند خلاقت داشته باشد. خیال می‌کنید اگر من بیایم، معجزه می‌کنم. بر خویش گشا دیده و از غیر فروبند». هرچند مسئله اختیارات استانداران دارای ابهامات حقوق اداری و نیازمند تنقیح حقوقی است، اما این سخنان دربردارنده نکات مهمی است. اولاً، بر مسئولیت فردی انسان بر سرنوشت خویش تاکید دارد و ثانیاً افسانه دولت پدرسالار را با بیانی صادفانه آشکار می‌کند. اهمیت این رویکرد به حدی است که حقیقتاً ارزش آن را دارد که یک جنبش اجتماعی بازگشت به خوشتن را برای ما ایرانیان پدید آورد. در اینکه دولت مسئولیت‌های ویژه خود را دارد هیچ تردیدی نیست، اما این نباید به معنای آن باشد که ما مسئولیت فردی و اجتماعی خود را فراموش کنیم.

اما اگر این مدعا جدی باشد، دولت و حکومت باید همین معنا را به یک ثنوری سیاسی عدم مداخله تبدیل کنند و زمینه را برای اینکه مردم سرنوشت خویش را به دست گیرند، فراهم کنند. یک نشانه مهم آن این است که بخش عمده ثروت و اقتصاد کشور در دست دولت و نهادهای حاکمیتی نباشد. برای اینکه چنین امر مهمی تحقق یابد، نیاز است که سخن رئیس‌جمهور محترم درباره واگذاری اختیارات به دو استراتژی اصلی حاکمیت تبدیل شود:

نخست آنکه این استراتژی در شکل واسطاری پروژه‌های بزرگ به سرمایه‌داری ایرانی تجلی یابد. مردم عادی که درگیر قوت لایموت روزمره خود هستند و نمی‌توانند مشکلات «عمومی» را حل کنند، کسانی که قدرت سرمایه‌دارند، می‌توانند در گره‌گشایی از مشکلات قدم بردارند و توسعه همه‌جانبه کشور را رقم زنند. «سرمایه‌داری توسعه‌گرای ایرانی» را با پروژه‌های شفاف در بخش عمومی و انضباط مالی می‌توان فعال کرد. چنین رویکردی می‌تواند فعالیت سرمایه‌داری در ایران را از پستوهای رانتی بیرون بیاورد و اعتماد عمومی را برای آن به ارمغان آورد. استراتژی «سرمایه‌داری توسعه‌گرای ایرانی» نیازمند تنظیمات نهادی است که اغلب با پیشنهاد اجماعی خود آنان قابل دستیابی است. در این استراتژی دولت نیازی به هزینه‌های هنگفت ندارد و صرفاً با ابزار «حق ویژه» که در حقوق اداری از آن بحث شده است، این مهم را به پیش می‌برد. تفویض اختیاراتی که رئیس‌محترم جمهور بر آن تاکید می‌کند، باید به بخش کلان سرمایه‌داری ایرانی تسری داده شود تا قدرت حل مشکل در جامعه توسعه یابد.

دوم، استراتژی توانمندسازی عمومی یکی از وظایف مهم دولت است که برای بازگشت به خود ایرانی اهمیت دارد. در سطح عمومی توانمندسازی مردمان و توجه به حرفه‌آموزی (ازجمله توسعه و ارتقای مراکز فنی و حرفه‌ای) باید در اولویت قرار گیرد. این ازجمله استراتژی‌های کارآمد نظام‌های سرمایه‌داری است که موتور محرکه فعالیت‌های بخش مدنی را بر مهارت‌آموزی و تقویت نظام‌های فنی و حرفه‌ای استوار کرده‌اند. دراین راستا، مثلاً دانشگاه آزاد که هنوز یک کارخانه تولید مدرک است، باید در یک تحول بزرگ (پارادایم‌شفت) به یک مرکز بزرگ فنی و حرفه‌ای تبدیل شود تا جنبش بزرگ توانمندسازی عمومی شکل بگیرد.

این استراتژی‌ها نه‌تنها دنبال نشده است بلکه حتی خودکاهي نظری و فنی نسبت به آن در دولت و حکومت وجود ندارد. هنوز پارادایم مالکیت حکومتی بر منابع عمومی در رگ و پی ساختار اقتصادی کشور مسلط است. از این‌رو است که «تفویض اختیارات و حل مشکل به دست خود» که رئیس‌جمهور محترم از آن سخن می‌گوید، نیازمند تعمیق نظری، طراحی استراتژیک، برنامه عملیاتی و اراده سیاسی است. اگر توانمندسازی عمومی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌داری توسعه‌گرای ایرانی انجام نشده باشد، همچنان اسیر رؤیای سرمایه‌گذاری خارجی خواهیم ماند. حتی شرط اینکه از سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌برداری کنیم، این است که بازگشت به خوشتن صورت بگیرد.

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۴
۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۷ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق **امروز می‌خوانید:**
انتقاداتها به اهدای جایزه صلح فیفا به ترامپ • شکل‌های زندگی: درباره «پوست‌انداختن» کارلوس فونتنس • لبنان در آینه رنگ‌های کودکانه / مناف یحیی‌پور

گزارش میدانی-تحلیلی «شرق» از رشد قارچ‌گونه کلینیک‌های زیبایی؛ کلینیک‌هایی که بیشترشان مجوز فعالیت ندارند

مافیای زیبایی

ارز برای تأمین داروهای حیاتی و اساسی در کشور وجود ندارد، اما جطور ژل و بوتاکس و سایر تجهیزات زیبایی به‌سرعت و بدون محدودیت وارد کشور می‌شود؟

بنفشه پورناجی:
چندی پیش خبر فوت یک زن جوان در یک کلینیک زیبایی بر اثر تزریق ژل غیراستاندارد و در پی آن سوزاندن جسد او در رسانه‌های ایران بازتاب گسترده‌ای یافت که به دنبال آن دادستان تهران از صدور دو فقره کیفرخواست برای پزشک متخلف و همدستانش در این پرونده خبر داد. این در حالی است که به گفته عضو هیئت‌مدیره انجمن متخصصان پوست ایران، «بیشتر کلینیک‌های زیبایی مجوز فعالیت ندارند و برخی از کلینیک‌های دارای مجوز نیز بدون رعایت استانداردهای لازم به فعالیت مشغول‌اند که از نمونه‌های آن می‌توان به کلینیکی اشاره کرد که با تزریق ژل غیراستاندارد باعث مرگ آن زن جوان شد». مراکز زیبایی بدون مجوز که تعدادشان رو به گسترش است، به خدماتی از قبیل تزریق ژل، بوتاکس و چربی‌کاشت مو، اپرو و مژه می‌پردازند و خدمات خود را از طریق تبلیغات

قاسم محبعلی در گفت‌وگو با «شرق»
از یک‌سالگی سقوط حکومت بشار اسد می‌گوید

سایه‌روشن حکومت الشرع در دمشق

صفحه ۵

یادداشت

طبقه متوسط و مسئله حکمرانی



روزبه کردونی

سیاست‌پژوه

همه خدمت‌پیشه بودند و از فرودست‌ترین لایه‌های اجتماعی برخاست، به امیرکبیر ایران بدل شد و برای این سرزمین شکوه آورده و بنیان‌های دولت مدرن را استوار کرد. واقعیت این است که خاستگاه طبقاتی نه تضمین‌کننده شایستگی است و نه پیش‌بینی‌کننده فساد. علوم سیاسی نیز همین را تأیید می‌کند: لیست و فوکویاما از اهمیت طبقه متوسط برای ثبات و قانون‌گرایی سخن گفته‌اند، اما هیچ پژوهش معتبر بین‌المللی مدعی «نامناسب‌بودن طبقات فرودست برای حکمرانی» نشده است. برعکس،

یادداشت

به یاد امیرمحمد، فرزند مظلوم ایران



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

چند روز پیش پسر تازه‌جوانی به نام امیرمحمد که به‌عنوان بیک‌موتوری در یک رستوران کار می‌کرد، در حادثه‌ای تلخ جانش را از دست داد. نکته‌ای که ماجرای امیرمحمد را دارای اهمیت کرد، این است که او برخلاف بسیاری از فرزندان ایران که به دلیل محروم‌بودن از ارتباطات فامیلی آن‌چنانی امکان پیشرفت ندارند و باید به مشاغل خدماتی ساده رضایت بدهند، امکان استفاده از این ارتباطات را به بهترین نحو داشت. پدر امیرمحمد نماینده مجلس است. این پدر می‌توانست مثل خیلی صاحب‌منصب‌های دیگر موقعیت شغلی درخشانی برای فرزندش دست‌وپا کند؛ کمترین کاری که می‌توانست بکند، این بود که مانند نماینده قدرتمند فلان شهر کل اعضای خانواده‌اش را به‌عنوان اعضای دفتر خود استخدام کند و در پاسخ خبرنگار یا بی‌اعتنایی شانه‌هایش را بالا بیندازد که: «من از نظر قانونی اختیار چنین کاری را دارم». آن تازه‌جوان مظلوم هم می‌توانست پدر را تحت فشار بگذارد و از او خواسته‌ای داشته باشد. اما او هم هیچ توقع نداشت؛ این پدر نمی‌کند، او را در محومه قرار نمی‌دهد و گله‌ای هم ندارد. این ماجرای تلخ هرچند خانواده‌ای را داغدار کرد و مادری را در عزای جگرگوشه‌اش نشانَد، اما درسی بزرگ به همه صاحب‌منصب‌ها داد؛ همان‌ها که سند پاش پیش حاضر نشدند در فراخوانی با عنوان «فرزندت کجاست؟» شرکت کنند و بگویند که چگونه کل‌پسرشان را در بهترین موقعیت‌های شغلی مستقر کرده‌اند. از سوی دیگر، آن گروه از دهه سی و چهل‌های که از سوی نسل جوان مورد سؤال قرار می‌گیرند که چرا در سال ۵۷ به جریان توفنده انقلاب پیوستند، سربلند شدند. آنها اینک می‌توانند بگویند قرا ما این نبود که مقامات به فکر ارتقای شغلی فرزندان کم‌خرد و پرمدعی خود باشند. قرار نبود صاحب‌منصب‌هایی که فرقی بین فرزند خود و بچه‌های مردم نمی‌گذارند، این‌قدر کمیاب و حتی یاباب باشند. قرامان با قدرتمندان این بود که همه مثل پدر امیرمحمد مظلوم‌مان رفتار کنند. قرار بود همه در کنار مهدی باکری باشند که نپذیرفت پیکر برادر مظلومش را زودتر از پیکر «بچه‌های مردم» به پشت خط بیاورند. آری، اینک جوان‌های پرشور و انقلابی دهه ۵۰ می‌توانند سرشان را بالا بگیرند، زیرا امیرمحمد و پدرش آنها را سربلند کردند.

اما به‌راستی چه شد که برخی از صاحب‌منصبان و قدرتمندان ارزش‌ها و آرمان‌های بهمن ۵۷ را فراموش کردند و در مسیر دنیابریستی و ثروت‌اندوزی افتادند؟ ناگفته پیداست که این حجم از گزرونی نه یک‌شبه، بلکه در طول زمان اتفاق می‌افتد. به بیان دیگر ویژه‌خواری از یک تخم‌مرغ آغاز می‌شود و در ادامه به شتر می‌رسد و حتی بالاتر رفته و خطوط کشتیرانی را هم درمی‌نوردد. از سوی دیگر وقتی صاحب‌منصبی کامی را کج برداشت و رطب رانت و ویژه‌خواری زیر دندانش مژه کرد، دیگر نمی‌تواند با خطاهای زیردستانش مقابله کرده و آنها را از خوردن چنین رطب‌هایی منع کند.

روزنامه شرق

از شوری دریا تا شیرینی تولید

پای خلیج فارس

با همت فولاد مبارکه

به اصفهان باز شد

۴

برگزیده‌ها

جزایر سه‌گانه در کانون یک بحران مهندسی‌شده

سه جزیره، یک خط قرمز

گزارش «شرق» از صدور مجوز ساخت‌وساز در حریم آثار و بناهای تاریخی

تعرض به حریم تاریخ؛ از کاخ گلستان تا ارگ کریمخان

۸

گزارش «شرق» از قرعه خوب تیم ملی در جام جهانی و واکنش حریفان ایران

قلعه‌نویی در کنجِ دنج

۹

روایت یک زندگی مشترک همراه با معلولیت

ترحم مردم و بی‌توجهی مسئولان

۱۰

رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط از نگاهی دیگر



مرتضی افقه

۴

یادداشت

در سالگرد دکتر معتمدنژاد و به یاد او جایگاه معلمی



احمد میرعابدینی

تاریخ با تحول معنی می‌یابد و بارزترین و باشکوه‌ترین وجه تاریخ، شکل‌دادن به وضعیت و هویت همواره در حال دگرگونی انسان است. هویت انسان با تحول و تحول با کام‌برداری‌های کوتاه و بلند انسان‌هایی شکل می‌گیرد که در طول زندگی فردی و اجتماعی خود، در برابر دشواری‌ها و در گذر از فرازا و فرودهای رویدادهای اجتماعی تلاش می‌کنند موانع رشد و توسعه جامعه را از پیش پای خود و دیگران بردارند. کام‌داشتن‌ها و حرکت‌های این انسان‌ها، به سبب ارزشمندی هدف‌هایشان، متفاوت از موارد جاری و روزمره است و تازگی دارد و به‌نوعی شاخص و متمایز و برجسته به‌شمار می‌آید. تلاش‌های این افراد محورهای شخصیتی و فرهنگی تازهای را ترسیم می‌کند و ابعاد جدیدی را از شان و شخصیت انسان آشکار می‌کند؛ ابعادی که می‌توانند برای بسیاری دیگر از افراد سرمشق و الگو باشند. و در چنین شرایطی است که ویژگی‌های نوینی از فرمیختگی و فرازانگی امکان بروز می‌یابد؛ چراکه انسان این توان را در خود می‌بیند که می‌تواند نقش‌های مهم‌تری را در سیر تحولات اجتماعی ماه‌های اول استقرار حکومت انقلابی انجام دادند. بهترین معرف آرمان‌ها و خواسته‌های مردم بود. این نهادها عمدتاً وظیفه رفع فقر و محرومیت و امدادسانی به محرومان را عهده‌دار بودند. اما اینک بسیاری از صاحب‌منصب‌های قدرتمند، محرومان جامعه را در گرداب فقر و مسکنت رها کرده و به فکر تثبیت موقعیت شغلی فرزندان و نزدیکان خود هستند.

آفت دنیاطلبی به جان آنان افتاده و مسابقه تملک اموال عمومی شدت گرفته است. کافی است به آدرس محل سکونت برخی چهره‌های متنفذ توجه کنیم؛ فردی که در دهه ۶۰ در محله نازی‌آباد مستاجر بود و توان خرید یک خانه محقر را هم نداشت، اینک در مرغوب‌ترین محله شهر تهران (لابد محله نازآباد!) مالک چندین قواره آپارتمان است که با بزرگواری مثال‌زدنی در اختیار مستاجران قرار داده است. یا آن دیگری که ارزش اموال موروثی خانوادگی‌اش در دهه ۶۰ به زحمت پنج‌رقمی می‌شد، برای کل‌پسرش امکاناتی فراهم آورده که کسب‌وکاری با سرمایه نجومی راه‌اندازی کند و مهم‌تر از آن، معتقد است اینکه این اموال را از کجا آورده، به هیچ‌کس ربطی ندارد! چند سال پیش با همت برخی اصحاب رسانه فراخوانی با عنوان «فرزندت کجاست؟» راه افتاد. این فراخوان با همه کاستی‌هایش نقطه شروعی در مسیر شفاف‌سازی بود. چنین فراخوان‌هایی باید بار دیگر به میدان بازگشته و قدرتمندان را خطاب قرار بدهند که مثلاً در شرایطی که جوان‌های مردم در سخت‌ترین شرایط در نقاط مرزی دوران خدمت سربازی خود را می‌گذرانند، گل‌پسرای آنان محل خدمت‌شان کجاست؟ یا اگر این گل‌پسر در استخدام نهادهای دولتی و عمومی است، با طی چه فرآیندی و شرکت در کدام آزمون متصفانه با «بچه‌های مردم» به سمت‌های عالیه دست یافته است؟ یا آن دلآوری که برای پسر تازه‌جوانش امکاناتی فراهم کرده که شرکتی راه بیندازد و در اولین روزها قراردادهای میلیاردی سفارشی نمایشش بشود، سرمایه اولیه این کسب‌وکار را چگونه برای او فراهم کرده و به‌اصطلاح از کجا آورده است؟

امیرمحمد مظلوم ما می‌توانست مانند پسر آن مدیر قدرتمند، خودروی آخرین مدل سوار بشود و به زمین و زمان فخر بفرودش یا می‌توانست با کمترین تجربه اجرایی، نامزد عضویت در هیئت‌مدیره فلان شرکت دولتی بشود، اما او و پدرش به آرمان‌های بهمن ۵۷ وفادار ماندند و از ویژه‌خواری و ویژه‌خوران فاصله گرفتند. نام و یاد این جوان مظلوم گرامی باد.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید.عکس: مهدی‌ناکی شرق

همکاران، دوستان، آشنایان، بستگان و وابستگان خاطراتی را به یاد نهاد که سرمشق هستند و ماندگار.